

میری شهری

شماره ۴۹؛ زمستان ۱۳۹۶

No.49 Winter 2018

۴۳۱-۴۵۱

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۶/۱

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱/۲۳

بازخوانی حیاط خانه ایرانی بر اساس نظریه بوم‌شناسی فرهنگی

محمد رضا عطایی همدانی - دانشجوی دکتری معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
وحید شالی امینی* - استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مهدی حمزه نژاد - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

ویدا نوروز برازجانی - استادیار و عضو هیئت علمی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

Review of the Iranian house on the basis of cultural ecology theory

Abstract

The study of contemporary architectural research begins with the arrival of the East Asian land, including Iran. In studies, indigenous researchers are also seen. It can be considered as a product of modern science. In post - theories, it has been attempted to look at the relationship between the sciences and the cultural ecology of such a view of the researchers, especially ecologists and sociologists. Data analysis method is qualitative analysis and data collection method is documented. The communication pattern and consequently the architecture with the canvas and the human being demonstrate the ability to enter the culture of culture in architectural research, particularly in sustainable architectural research. The present study, introducing cultural ecology of environmental and cultural factors, serves as a model for the residence model and its body products, which are the Iranian home yard, and introduces them to the environmental factors such as the topology, climate, and geography of the Iranian house.

Keywords: Cultural ecology, Settlement, Environment, livelihood.

پرآکندگی پژوهش‌های معاصر معماری که با ورود شرق‌شناسان به سرزمین‌های کهن آسیایی از جمله ایران آغاز شده است. در مطالعات محققین بومی نیز به چشم می‌خورد. می‌توان این پرآکنده گویی‌ها را محصول اثبات‌گرایی و تجربه‌گرایی علم مدرن دانست. در نظریات پس اثبات‌گرایی سمعی شده است از نگاهی کل نگر به ارتباط بین علوم دقیق و بوم‌شناسی فرهنگی از چنین دیدگاهی نظرات پرآکنده محققین بویژه بوم‌شناسان و فرهنگ‌شناسان را به هم مرتبط ساخته است. روش تحلیل داده‌ها کیفی با تحلیل محظوظ است و روش گردآوری داده‌ها اسنادی می‌باشد. ارتباط الگوی سکونت و به تبع آن معماری با بوم و انسان قابلیت ورود بوم‌شناسی فرهنگی در تحقیقات معماری را نشان می‌دهد که بویژه در پژوهش‌های معماری پایدار موضوعیت و ضرورت دارد. پژوهش حاضر ضمن معرفی بوم‌شناسی فرهنگی عوامل محیطی و فرهنگی همبسته را بعنوان مدلی برای بازخوانی الگوی سکونت و محصولات کالبدی آن که در اینجا حیاط خانه ایرانی است بکار می‌برد و در پاسخ به عوامل و علل مؤثر در شکل‌گیری و تثیت و توسعه الگوی حیاط خانه ایرانی، تکنولوژی، نوع معیشت و جهان بینی را معرفی می‌کند و آنها را همبسته با عوامل محیطی نظیر توپولوژی، اقلیم و مکان جغرافیایی می‌داند. واژگان کلیدی: بوم‌شناسی فرهنگی، حیاط، الگوی سکونت، محیط، معیشت.

مقدمه

می‌شود. به عبارتی دیگر نظام‌های بوم‌شناختی دارای گستره‌ای از ارتباطات و تأثیرات متقابل بوده (ماتلاک، ۱۳۷۹) و از این جهت قائل شدن به مرز میان آن‌ها ممکن نمی‌باشد. به همین ترتیب نظام بوم‌شناختی شهری، بخشی متعامل و مرتبط با نظام بوم‌شناختی کلان و فرادست محسوب می‌گردد که به واسطه حضور انسان دچار دگرگونی و تغییراتی شده است. در این مقیاس، فضاهای سبز شهری عمده‌ترین عرصه فعالیت معماران منظر محسوب می‌شوند. با توجهه به نقش عمده‌ی فضاهای باز شهری در نظام اکولوژیک شهر، دانش بوم‌شناختی منظر شهری به طور ویژه به این فضاهای از جنبه‌ی ساختار و کارکرد بوم‌شناختی آن‌ها می‌پردازد. بر این اساس و با توجه به ارتباطی که دانش بوم‌شناختی منظر میان ساختار فضایی و کارکردهای نظام اکولوژیک قائل است، در نگرشی دینامیک و فرآیندگرا نسبت به فضاهای باز شهری به کمیت و اعداد و ارقام سرانه‌ی این فضاهای اکتفا ننموده و به کیفیت، ترکیب، توزیع وسعت و ارتباطات ساختاری می‌پردازد (یاوری، ۱۳۸۵). در ایران پژوهش‌های بین رشته‌ای، بین فرهنگ و معماری بیشتر گرایشان انسان‌شناسی فرهنگی را مینما قرار داده اند و کمتر اشاره‌ای به نقش زیست‌بوم در فرهنگ شده است. از مهمترین آثار در این زمینه میتوان به پژوهش محمد رضا حائری در مورد خانه‌های ایرانی با نام «خانه، طبیعت، فرهنگ» (حائری، ۱۳۸۸) اشاره کرد که تاثیر بسزایی در پژوهشها متاخر در این رابطه داشته است. می‌توان پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با معماری ایرانی را بجز تحقیق یادشده در چهار گروه دیگر دسته‌بندی نمود: ۱- بررسی سیر تاریخی معماری خانه (ابولقاسمی، پیرنیا و غیره)؛ ۲- بررسی تطبیقی خانه ایرانی با خانه دیگر مملل (عینی فر، معصومی و غیره)؛ ۳- بررسی اقلیمی خانه‌های ایرانی (قبادیان)؛ و ۴- بررسی مبانی جهان بینی معماری ایرانی (نقه کار، نوایی، نقی زاده و غیره). پژوهش حاضر از ادبیات، ابزارها و شیوه بررسی بوم‌شناسی فرهنگی در بازخوانی حیاط خانه ایرانی، استفاده شده و در فرایند توسعه حیاط خانه ایرانی عوامل تکنولوژیکی، معیشتی و جهان بینی را به طور همزمان موثر در نظر گرفته شده است.

در پی ناکافی دانستن پارادایم‌های علمی اثبات‌گرایانه در ایجاد تصویر روشنی از جهان هستی و پدیده‌های آن در پارادایم‌های پسااثبات گرایی و انتقاد گرایی وجود آمده پس از آن، برای ایجاد تصویری همگن و روشن برکل-نگری تاکید شده و گرایشات بین رشته‌ای برای کشف ارتباط علوم باهم ایجاد گشت. از این گرایشات بین رشته‌ای می‌توان به «بوم‌شناسی فرهنگی» اشاره کرد که پدیده‌های محیطی را در ارتباط با پدیده‌های فرهنگی می‌داند. این گرایش ریشه در «بوم‌شناسی زیستی و تجربی» دارد و به نوبه خود در ظهور جنبش‌های زیست محیطی اواخر قرن بیستم نقش داشته است. از سویی دیگر، «بناهای حیاط‌دار» در ایران قدمتی در حدود هشت هزار سال دارند. بناهای مختلف و خانه به‌طور اخص تا رسیدن به شکل حیاط مرکزی کامل، زمانی در حدود شش هزار سال را طی کرده اند و در هر کدام از دوره‌های تاریخی حیاط یک یا چند کاربرد از آنچه یاد شد را داشته است. ابتدایی‌ترین روش محصور کردن یک سر پناه در داخل یک حصار را می‌توان در حصارهای سنگی دالمن‌هایی در آذربایجان مشاهد کرد. این حصارها هرچند که ارتفاع زیادی ندارند ولی نشانه‌ای از تفکر در مشخص کردن حدود مالکیت از طرف سازنده آن می‌باشد (معماریان، ۱۳۷۵، ص ۱۶). همچنین، روش‌های بوم‌شناسی فرهنگی در ابتدای شکل‌گیری در دهه ۶۰ میلادی کمتر در رشته‌های معماری و شهرسازی ورود پیدا کرد و بیشتر به بررسی نوع سکونت و معیشت جوامع روستایی و کوچ‌نشین در علم مردم‌شناسی متداول شد اما پیشرفت‌های مبانی نظری و مدل‌های آن توانست در پژوهش‌های معماری و شهرسازی بکار گرفته شود. هم چنین ارتباط روانشناسی بوم‌شناختی و بوم‌شناسی فرهنگی می‌تواند در پژوهش‌های طراحی محیطی افق‌های جدیدی بگشاید و درک بهتری از فضایی برای انسان وابسته به پسترهای معماري و نه انسان در تعریف عمومی ایجاد کند. بر اساس منطق محیطی، عرصه‌های شهری بخش‌هایی جداناپذیر از عرصه‌ی طبیعت فرادست محسوب می‌گردند. بدین ترتیب نزدیکی به شرایط طبیعی مهم‌ترین اصل در چنین نگرشی محسوب

روش تحقیق

دیدگاه نظری پژوهش حاضر اثبات گرایی و عملگرایی است که با نگاهی کل نگر به پدیده های انسانی و محیطی می نگرد. روش جمع آوری داده ها اسنادی و روش تحلیل آنها کیفی و از نوع تحلیل محتواست. ابزار اندازه گیری به سبب کیفی بودن داده ها، واژه ها و عبارات مشاهدات بصری است و بستر مورد پژوهش نیز خانه سنتی دارای حیاط مرکزی واقع در فلات مرکزی و حاشیه کویر ایران است.

مبانی نظری اکولوژی

برای پی بردن به مجموعه از روابط متقابل گیاهان و جانوران و محیط پیرامون آنها، علمی به نام «اکولوژی»^۱ به وجود آمده است. به کارگیری روزافزون این لغت در محاورات روزانه موجب گردیده است که نظیر بسیاری از موارد مشابه، این لغت مفهوم گستردگتری را به خود اختصاص دهد و یا حتی از مفهوم اصلی واقعی اولیه خود نیز دور شود؛ بنابراین قبل از هر چیز ضروری است که بدانیم اکولوژی چیست؟ واژه اکولوژی از دو کلمه یونانی:

۱. «اویکوس»^۲ (به معنی مسکن، خانه، بستر زیست یا محل زندگی) و

۲. «لوگوس»^۳ (به معنی شناخت، علم یا دانش) تشکیل شده و معنای تحت الفظی آن عبارت است از بررسی یا مطالعه موجودات زنده در بستر زیستشان.

این واژه برای اولین بار توسط یک زیست‌شناس آلمانی به نام «ارنست هکل»^۴ در سال ۱۸۶۹ میلادی به کار برده شد و معادلهای آن در فارسی عبارتند از بوم‌شناسی، محیط‌شناسی و یاکدشناسی. اکولوژی در واقع شاخه‌ای از علم زیست‌شناسی است. در علم زیست‌شناسی مطالعه برخی خصوصیات موجودات زنده در طول حیاتشان از جمله

مطالعه خصوصیات ظاهری^۵ ، تشریح اعضا موجودات زنده^۶، بررسی وظائف اعضا مختلف^۷ و رده‌بندي موجودات^۸ زنده بیشتر مدنظر است. در برخی مطالعات زیستی نظیر بررسی خصوصیات فیزیولوژیکی موجودات زنده، تاثیر عوامل محیطی را در شرایط آزمایشگاهی و به صورت مصنوعی بر روی موجود زنده مورد بررسی قرار می‌دهند، در صورتی که ویژگی دانش اکولوژی بررسی تاثیر عوامل محیطی در شرایط طبیعی بر روی موجودات زنده می‌باشد زیرا در طبیعت عوام بسیار زیادی با یکدیگر مرتبط بوده و تغییر در یکی می‌تواند موجب بروز نوساناتی در دیگری گردد؛ به همین دلیل دشواری مطالعات اکولوژیکی، پیچیدگی شرایط مطالعه می‌باشد.

البته این موارد ارتباط تنگاتنگی با معماری بومی و مفاهیم مرتبط با آن دارد؛ چنانچه از آنجا که بوم گرایی، شناسنامه معتبری از مردم یک سرزمین به شمار می‌رود، نمایانگر آداب و رسوم، روحیه و احساسات، اندیشه و عقیده، ذوق و سلیقه و هنر آنان است، در شکل گیری معماری بومی، برخی روابط اجتماعی و اقتصادی در محیط طبیعی و نمادهای فرهنگی، ماهرانه انعکاس می‌یابد، به نحوی که همزمان، سادگی و آرایش در آنها متجلی است. ریشه‌های تاریخی توجه به معماری بومی را می‌توان در قرن ۱۸ میلادی یافت. در این زمان، با استعمار کشورهای آفریقا و اقیانوسیه به وسیله اروپائیان تغییراتی در هنر و ادبیات دنیای غرب به وقوع پیوست. در نیمه دوم قرن ۱۸ مطالعاتی علمی و خاص‌تری در مورد نحوه زندگی، فرهنگ و هنر و معماری جوامع استعمار شده صورت گرفت. لیکن این تحقیقات و بررسی‌ها بلافاصله اثر خود را بر روی حرفة معماری و آموزش معماران ظاهر نکرد و این امر تا اوایل سالهای ۱۹۶۰ اثر بارز و خیلی آشکاری از خود بروز نداد. در سال ۱۹۶۴، «برنارد ردوفسکی»^۹

5. Morphology

6. Anatomy

7. Physiology

8. Systematic

9. Bernard Rudofsky

1. Ecology

2. Oikos

3. Logos

4. Ernest Haekel

أنواع مطالعات بوم شناختي

اكولوژي بخش وسیعی از دانش زیست‌شناسی است. تقسیمات فرعی در این علم نظیر آنچه که در سایر علوم متداول است، ممکن است از دیدگاه‌های مختلف صورت پذیرد. بدلاً مطالعات انجام شده بر حسب نوع موجود زنده به سه شاخه اصلی تقسیم می‌شود:

۱. اکولوژي گیاهی:^{۱۰} علم شناخت رابطه گیاهان با محیط زیستشان؛
 ۲. اکولوژي جانوری:^{۱۱} علم شناخت رابطه جانوران با محیط زیستشان؛
 ۳. اکولوژي انسانی:^{۱۲} علم شناخت رابطه انسان با محیط زیستش؛
- از طرف دیگر هریک از موارد مذکور بر حسب تعداد موجود زنده مورد بررسی به دو گروه فرعی دیگر تقسیم می‌شوند:

10. Wodehouse

11. Plant Ecology

12. Animal Ecology

13. Human Ecology

الف- اکولوژی انفرادی^{۱۳}؛ در این مطالعه، رابطه یک گونه تنها با محیط اطرافش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش از اثرات متقابل گونه مورد مطالعه و گونه‌های دیگر صرف نظر می‌گردد و عمدتاً حد برداری موجود زنده در برابر عوامل اکولوژیکی و تاثیر محیط بر شکل ظاهری و خصوصیات فیزیولوژیکی و رفتاری موجود زنده مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ مثلاً تعیین نیازهای یک گونه ما را قادر می‌سازد که حدوداً بتوانیم محل استقرار، پراکنش جغرافیایی، میزان انبوهی و فعالیت آن در محیط‌های مختلف تعیین نمائیم (مطالعه اکولوژی موجودات زنده به حالت منفرد).

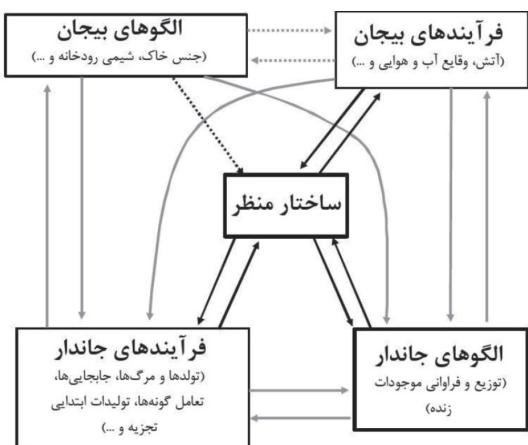
ب- اکولوژی جمعی^{۱۴}؛ در این نوع مطالعه، رابطه بین افراد متعلق به گونه‌های مختلفی که در بطن یک گروه (با یک گونه) به سر می‌برند با محیط در بر گیرنده شان مورد بررسی قرار می‌گیرد (مطالعه اکولوژی موجودات زنده در جمع سایر موجودات). در اکولوژی جمعی، هدف شناخت بهتری از ساختمان و طرز کار اکوسیستم‌هاست. اما بین متخصصان فرانسوی و امریکایی از نظر تعریف اکولوژی انفرادی تا حدی اختلاف نظر وجود دارد. بر طبق تعریف متخصصین فرانسوی یک مطالعه هنگامی به صور انفرادی است که یک موجود زنده به تنها یک در ارتباط با محیط مطالعه می‌شود و هیچگونه رابطه‌ای با موجودات زنده دیگر در محیط ندارد. مثلاً گیاهان در مناطق نزدیک قطب یا در بیابانها در فواصل بسیار دور از یکدیگر رشد می‌کنند و عملای هیچگونه ارتباط زیستی اعم از این که به گونه واحد یا گونه‌های متعدد متعلق باشد مورد بررسی قرار گیرد، مطالعه اکولوژی چنین موجودی از نظر تعریف متخصصین فرانسوی جزء مباحث اکولوژی جمعی است. متخصصین امریکایی به همین تقسیم‌بندی با جزئی اختلاف معتقد هستند. (اوдум)^{۱۵} (۱۹۷۳) از نظریه پردازان امریکایی معتقد است که اگر موجود زنده به حالت منفرد یا عده‌ای از افراد متعلق به این گونه

14. Autecology

15. Syneiology

16. E.P. Odum

نمایشگاهی را با عنوان «معماری بدون معمار» به همراه کتابی با همین نام فراهم کرد. به عقیده برخی، این واقعه همچون نقطه عطفی در شروع توجه جدی غر به معماری بومی واقع گردید و سرآغاز تحقیقات بسیاری در این زمینه شد. (وودهاؤس)^{۱۶} در مقدمه کتاب خود توصیف نسبتاً دقیقی از جستجوها و مطالعات صورت گرفته در پیرامون موضوع معماری بومی را قبل و بعد از سال ۱۹۶۰ ذکر کرده است (صادقی، ۱۳۹۱، ص ۷۶). موضوع معماری بومی برای نخستین بار تحت نام‌های گوناگون، در کشورهای اروپای جنوبی - مرکزی و حدود چهل سال پیش روی کاغذ آمد. معماران و پژوهشگرانی که از آن سالها تاکنون به این موضوع پرداخته‌اند، زمینه‌هایی را برای اندیشیدن و توجه دادن به موجودیت و ماهیت این رده از محصولات فضای ساخته شده به دست داده‌اند (فلامکی، ۱۳۸۴، ص ۷۳)؛ «اولین باری که نامی بر این پدیده معماری نهاده شد، معماری خود جوش به ابداع جوزپه پاگانو بود.» (آلپاگونولو، ۱۳۸۴، ص ۲۵)



نمودار ۱. رابطه بین ساختار منظر و ساختارهای بوم‌شناختی محیط؛ مأخذ؛ Forman, 2008

داده می‌شود و به گذشته و آینده توجهی نمی‌شود.

۲. دوم، دیدگاه پویا^{۱۸} یا اکولوژی کاربردی که خود دارای دو وجهه متمایز از یکدیگر است. یک وجهه اکولوژی جمعی کاربردی، عبارت است از بررسی و تشریح نحوه تحول گروههای مختلف موجودات زنده و بررسی این امر که تحت تاثیر چه عواملی این گروه‌ها در یک محل جایگزین یکدیگر می‌گردند. وجه دیگر آن عبارت است از مطالعه چگونگی انتقال ماده و انرژی در میان اجزاء گوناگون تشکیل دهنده یک اکوسیستم، که در واقع مبنای اکولوژی کمیتی را تشکیل می‌دهد.

از دیدگاه بوم شناسی منظر شهری، فضاهای باز و سبز شهری عرصه‌هایی بی‌بدیل برای نزدیک‌تر شدن به الگوی طبیعی محسوب می‌شوند. در حقیقت این فضاهای واجد قابلیت‌هایی عمده در حفظ و تداوم عملکردهای بوم شناسانه محیط می‌باشند. در این راستا و با توجه به اصل ارتباط ساختار-عملکرد، در نظر گرفتن ساختار و به-عبارتی نحوه توزیع، ترکیب، وسعت و ارتباطات در این فضاهای حائز اهمیت بسیار در چگونگی عملکردهای اکولوژیک شهر می‌باشد.

در رابطه با محیط بررسی شوند، این مطالعه یک مطالعه اکولوژی انفرادی است ولی اگر موجود یا موجودات زنده از یک گونه در جمع سایر موجودات زنده مورد بررسی قرار گیرند، مطالعه از نوع اکولوژی جمعی است مثلاً مطالعه یک درخت بلوط به حالت منفرد یا تعدادی از درختان بلوط متعلق به یک گونه مشخص در یک منطقه نوعی بررسی اکولوژی انفرادی است، اما مطالعه درخت یا درختان بلوط در یک جنگ و در جمع سایر گونه‌ها نوعی مطالعه اکولوژی جمعی است. بنابراین ملاحظه می‌شود که این دو نوع تعریف فقط جزئی اختلاف در مطالعات انفرادی دارند یعنی بر طبق تعریف متخصصین فرانسوی مطالعه یک درخت بلوط در جمع درختان بلوط متعلق به همان گونه یک مطالعه اکولوژی جمعی است اما از دید تعریف متخصصین امریکایی یک مطالعه اکولوژی انفرادی است. از سویی، شناخت معماری بومی می‌تواند به منزله شناخت جامعه باشد. جامعه‌ای که همچنان از آغاز شکل گیری، برای بقا، با طبیعت در تنازع است. شهر کویری در نبردی سخت و مداوم با خورشید، به هنگام تابستان وجودش را در سایه گذرهای سرپوشیده و باریک از گرما محفوظ می‌دارد (دادخواه، ۱۳۸۴، ص ۹۹). وضعیت فرهنگ بومی ساکنان هر سرزمین را می‌توان نتیجه این تقابل و انتخاب روش مردم بومی، در همیستی با امکانات طبیعی دانست که بر حسب پیشرفت‌های تجربی-علمی ساکنان آن، امروزه شاهد انواع فرهنگ‌های بومی در نقاط مختلف جهان می‌باشیم (مهریار، ۱۳۸۴، ص ۵۴).

مطالعات اکولوژی جمعی خود می‌توانند با دو دیدگاه متفاوت صورت گیرند:

۱. اول، دیدگاه ساکن (پایا)^{۱۹}، یا اکولوژی جمعی تشریحی که عبارت است از تشریح گروه‌های مختلف موجودات زنده که در یک نقطه معین با یکدیگر به سر می‌برند. در این قبیل مطالعات اطلاعات دقیقی در مورد ترکیب خاص گروه‌ها، انبوھی آن‌ها و تواتر آن‌ها جمع‌آوری می‌گردد. در این بخش به خصوصیات زمان حال اهمیت

جنبه های اقتصادی	جنبه های محیطی	جنبه های فرهنگی و اجتماعی
در نظر گرفتن امکانات محلی عدم استفاده از تجهیزاتی که در محل نباشد	تحقیق درباره محل و انتخاب منابعی که مناسب برای استفاده (با حفظ دوام منبع) می باشد. پاسخ مناسب به شرایط آب و هوایی منطقه	- در نظر گرفتن انتظارات آرزوها و ニازهای فرهنگی بومی - ایجاد حساسیت فرهنگی به مسائل محیطی - ارتقا انتظارات و دانش مردم ترویج روشهایی که بتواند توسط مردم بومی تکرار شود. - ایجاد فضایی که دارای انعطاف پذیری برای مطابقت با عادت‌ها و ニازهای مردم منطقه باشد

نمودار ۲. بررسی ابعاد پایداری در محیط و زیست بوم؛ مأخذ: Forman, ۲۰۰۸

جنبه های اقتصادی	جنبه های محیطی	جنبه های فرهنگی- اجتماعی
برهیز از بیهودگی (قناعت): که منجر به صرفه جویی در مصرف منابع و تر نتیجه کاهش هزینه ها خواهد شد. اعطاف پذیری بنا که باعث افزایش عمر آن می گردد و در نتیجه نیاز به ایجاد فضاهای جدید و تخریب فضاهای بی استفاده را کاهش می دهد. تیارش؛ ایجاد ساختمانهای مستحکم که هزینه های تعمیرات و نگهداری را کاهش می دهد.	توجه به ویژگی های طبیعت که منجر به ایجاد حس احترام به طبیعت و قناعت و معنادار شدن محیط ساخته شده می شود توجه به ویژگی های مادی طبیعت و طراحی اقلیمی و سازگاری با محیط پیرامون خود بستگی استفاده از مصالح بوم آورد؛ استفاده از مصالح بی خطر، سالم و بومی، تکنولوژی موجود، چوگوکی و شدنی بودن عملکردها که پیامدهای مرتب شده در فعالیتهای ساختمانی امروزه هستند. انرژی متتمرکز شده در فعالیتهای ساختمانی امروزه هستند. انرژی متتمرکز شده در پیامدهای چون مفاهیم ماندگاری، نگهداشت پذیری، تعمیر پذیری و سادگی، مورد توجه قرار گرفته اند.	مردم واری؛ معماری بومی نسبت به فرهنگ اعضاي اجتماع، حساس، رفتار می کند؛ از جمله، درون گرایی که در نظر گرفتن نیازهای استفاده کننده، از نظر نیاز او به حریم خصوصی و امنیت سازگاری؛ سازگاری با ساکنان ساختمان به دلیل قابلیت اعطاف پذیری معنادار نمودن طبیعت در معماری که موجب ایجاد فرهنگ مصرف صحیح و قناعت می شود. پس نگری (تفییر عادات بد)؛ پرهیز کردن از چیزهای غیر ضروری است که کارایی را پایین می آورد. توانایی و آمادگی ما برای تغییر ذهنمان، ممکن است بتواند مشکلاتی را حل کند، حتی بیش از یافتن یک راه حل قطعی برای یک مشکل.

نمودار ۳. جنبه های پایداری در زیست بوم شهری؛ مأخذ: یافته های تحقیق.

را به عنوان یک موجود حائز فرهنگ مورد
مطالعه قرار می دهد. او بیش از هر چیز به
گردآوری داده هایی که به توضیح فرهنگ های
متفاوت بشر و نیز به شیوه هایی که این
فرهنگ ها موجودیت یافته و یا رشد کرده اند،
می پردازد. داده های وی شامل مجموعه پیچیده
ای از دانش، اعتقادات، هنر، اخلاقیات، قوانین،
آداب و رسوم اعضای آن جامعه است که
مجموعاً فرهنگ آن جامعه را می سازد (هاویلند،

انسان شناسی فرهنگی و بوم شناسی فرهنگی
رشته انسان شناسی را می توان به دو حوزه
بنیادی تفکیک کرد: «انسان شناسی زیستی و
انسان شناسی فرهنگی». انسان شناسی زیستی
بیش از هر چیز انسان را به عنوان یک اندام واره
زیستی مورد مطالعه قرار می دهد. انسان شناس
زیستی از دانش زن شناسی و شیمی زیستی برای
شناخت کاملتری از تفاوت های انسانی و تکامل
او سود می جوید. انسان شناس فرهنگی انسان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

در فرایند انطباق پذیری با پشتوانه تاریخی در مکان های خاص توسعه می یابد، بر اساس این نظر سه نکته اساسی قابل ذکر است:

۱. فرهنگ ها در محیط های مشابه ممکن است به طور مشابه سازگار شوند.
۲. تمام سازگاری ها تا زمانی که تغییرات محیطی رخ نداده است تداوم دارند.
۳. تغییرات انطباق پذیری ممکن است موجب تغییر و یا دگرگونی کامل یک فرهنگ شود. این تغییرات به عنوان تکامل چند خطی در تقابل با تئوری های تک خطی قرن ۱۹ و پیش از آن ارائه شده است (Zarin, 2010, p.41).

«استیوارد» پیش از تبیین بوم شناسی فرهنگی، فهم فرایند یا علل تحول فرهنگ را مورد مطالعه قرار داده است. وی بر عامل بوم شناسی به عنوان عاملی مهم و نه تنها عامل در تعیین تحولات فرهنگی تاکید دارد. در سیر روند تکاملی بوم شناسی فرهنگی می توان تمرکز این مطالعات را بیشتر بر فرهنگ های خاص و گاه وجوده خاصی از فرهنگ در محیط های خاص دانست (مارکت، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲). در این شاخه دانشی برخی واژه ها کاربرد تخصصی دارند که باستانی تعریف شوند:

۱. «بوم شناسی»: مطالعه زیستگاه و شیوه های زندگی و تعامل بین همه موجودات زنده در یک محیط مشخص است.
۲. «اکوسیستم»: ارگانیسم های زنده و محیط های آنها به همراه هم یک اکوسیستم یا نظام سازوکار شکل یافته ای از مبادلات و جریانات انرژی راشکل می دهند.

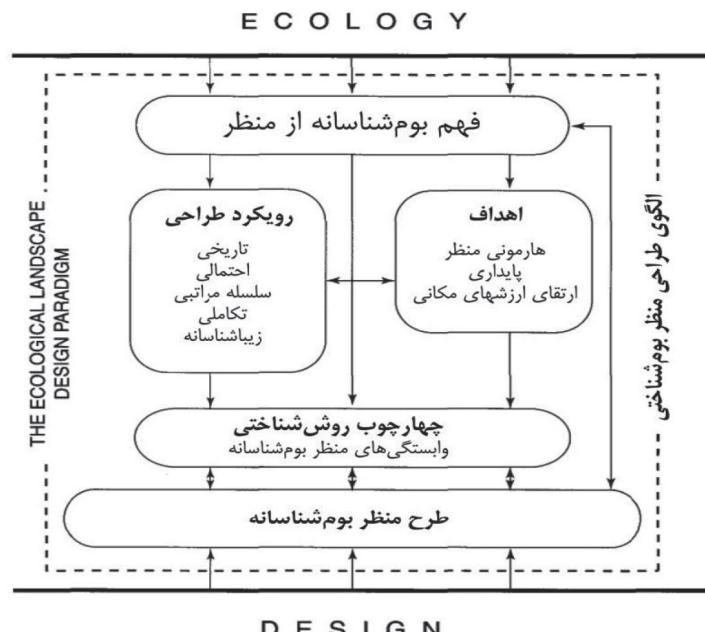
به ویژه طریق نمادها قابل انتقال است. تا زمانی که نمادها پایدار و قابل شناخت باشد آن فرهنگ نیز پایدار و قابل شناخت خواهد بود. با پیگیری تطبیق و تکامل فرهنگ و به طبع آن نمادهای آن در یک محیط خاص می توان به ارتباط برخی رویدادهای زمانی و مکانی دیگر با پدیده های فرهنگی رایج در یک جامعه پسی برداشت. «بوم شناسی فرهنگی» نظریه ای است که در یک محیط خاص به بررسی ارتباط و ویژگی های محیطی با فرهنگ یک جامعه می پردازد (عزیزی، ۱۳۹۱، ص ۶۲)؛ بدین ترتیب بوم شناسی فرهنگی به مطالعه نحوه انطباق انسانها با محیط می پردازد و فرایندی که جوامع را قادر به بقا می سازد، پیگیری می کند. در این فرایند محصولاتی تولید شده و یا محیط تغییر می کند و در مقابل چنین فرایندی ممکن است تغییراتی در زبان، نماد ها و غیره به طور هم زمان و یا در ادوار مختلف به وجود بیاورد. بوم شناسی فرهنگی بر این باور است که محیط طبیعی در مقیاس خرد یا قدری که معیشت جوامع بر پایه آن است مهمترین نقش را در سازماندهی اجتماعی و دیگر نهادهای انسانی دارد. بوم شناسی فرهنگی در سال ۱۹۵۵ توسط «جولیان استیوارد» به وجود آمد و وی از آن به عنوان روشی برای شناخت چگونگی سازگاری انسانها در تنوع گسترده ایی از محیط استفاده کرد. به نظر وی با روش هایی فرهنگ برای سازگاری با محیط مجبور به تغییر می شود و این تغییرات در بوم شناسی فرهنگی شناخته می شود (Joralemon, 2010). نکته مهم اینکه هر تغییر خاص در سازگاری انسان در قسمتی از میراث تاریخی و در تکنولوژی ها، اعمال و دانشی که به مردم اجازه زندگی در یک محیط را می دهد، رخ می نماید. امروزه مفهوم بوم شناسی فرهنگی یک نظریه عمومی و به عنوان یک پارادایم در علوم انسانی و طبیعت شناخته می شود و این موضوع پیونددهنده اطلاعات بسیاری در یافته های رشته های گوناگون نظریه علوم انسانی و علوم تجربی است (Joralemon, 2010).

طبق نظریه استیوارد شاخص هایی از فرهنگ

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

۴۳۷



نمودار ۴. فرآیند طراحی بوم‌شناسانه منظر؛ مأخذ: Steiner, 2000

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

۴۳۸

یا استفاده بهتر از آن تغییر دهند. گاه ممکن است از عناصر جدیدی از آن محیط بهره برند و یا آن محیط را به طور کامل دگرگون سازند. ارتقاء موقعیت رفاهی و زیستی انسان در محیط با فرایند سازگاری انجام می‌شود و منجر به تغییرات در محیط و فرهنگ می‌گردد؛ البته این به معنای تبعیت مطلق فرهنگ از محیط نیست (فکوهی، ۱۳۸۶، ص ۳۱۸).

۲. «علیت دوطرفه»: رابطه میان فرهنگ و محیط به عنوان یک اصل موضوعی در بوم‌شناسی فرهنگی است از نظر بوم‌شناسان فرهنگی محیط و فرهنگ حوزه‌های مستقلی نسبت به هم نیستند و رابطه بین آنها دیالکتیکی است و در اینجا واژه علیت دوطرفه را برای نشان دادن تعامل بین آن‌ها به کار می‌برند. یعنی محیط به فرهنگ واکنش نشان می‌دهد و بر عکس لذا این تعامل دو سویه است نه تقابلی و خطی. این رابطه بین دو متغیر فوق را نمی‌توان ثابت در نظر گرفت بلکه بسته به موضوع سهم هریک از آن‌ها می‌تواند متفاوت باشد (Hardesty, 1977).

شاخصه‌های بوم‌شناسی فرهنگی

عموم مباحث بوم‌شناسی فرهنگی، محیط را دارای ویژگی‌هایی معرفی می‌کنند که به طور احتمالی می‌تواند بر خصایص یک جامعه تاثیرگذار باشد. پژوهشگران این رشته مدعی‌اند چهار قلمروی اصلی در جامعه وجود دارد که به طور خاصی از محیط تاثیر می‌پذیرند: (الف) تقسیم کار؛ (ب) اندازه و ثبات جمعیت؛ (ج) توضیع گروه‌ها در فضاء؛ و (د) قوانین اقامتی.

قلمروی چهارم (قوانين اقامتی) به طور مستقیم شیوه خانه سازی و الگوی سکونتی را تعیین می‌کنند، گرچه نمی‌توان قلمروهای دیگر را بسی تاثیر دانست. در این قلمرو مفاهیم کلیدی وجود دارد که برای درک بیشتر الگوی سکونت مفید می‌باشد:

۱. «سازگاری»: فرایند طولانی مدت فرهنگی به منظور حفظ تعادل بین طبیعت و منابع طبیعی در یک محیط مشخص را گویند. این فرایند دوسویه است. گاه گاه ممکن است یک گروه اجتماعی استراتژی‌ها و ابزارهای خود را به منظور سازگاری با یک محیط خاص و

متعددی در آن ها دخیل هستند. زمانی مکان ها نام گذاری می شوند که آنها بیشتر در چشم باشند و احساس شوند و نام گذاری مکان منجر به ساخت آن می شود. احساسات، شناخت و رفتار های ارجاعی با محیط، عامل ایجاد تعلق به آن است و در این تعریف نمی توان عملکردهای نمادین را فراموش نمود (Zarin, 2010, p. 41).

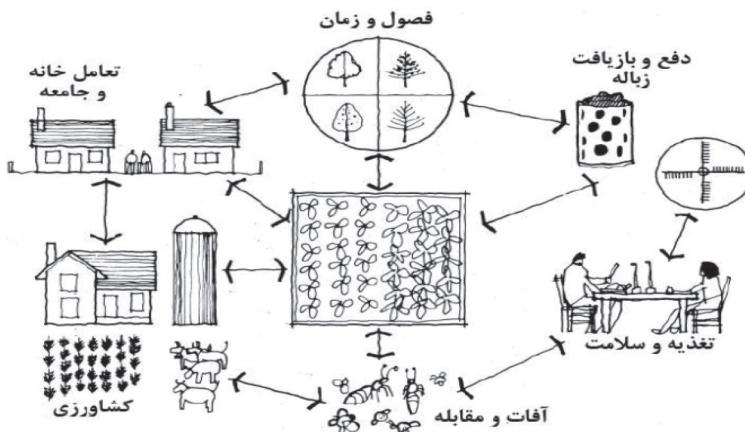
۶. چشم انداز فعالیت: این مفهوم از تحقیقات اینگلند گرفته شده است (Ingold, 1995). وی در تکمیل مفهوم چشم انداز (Land scape) از چشم انداز فعالیت استفاده نموده و منظور وی فعالیتهای ترکیبی سکونت به عنوان Task یا وظیفه تعریف می شود که در فعالیت های اجتماعی و تکنیکی به صورت نهفته وجود دارد. چشم انداز فعالیت به آداب نمادین یا کارکردی دسته جمعی در چشم انداز مربوط می باشد. در نظر اینگلند چشم انداز فعالیت همان چشم انداز است اما به صورت پنهان. چشم انداز فعالیت نشان دهنده بررسی از سکونت است به ویژه فعالیت هایی که سکونت مردم در مکان را ممکن می کند. چشم انداز فعالیت موجب تعلق به مکان می شود. اعمال ظاهری (تکنیکی) فرد از فعالیت های اجتماعی وی ناشی می شود (Zarin, 2010, p. 82).

پایداری بوم شناختی را می توان در تداوم و ارتقای سلامت و کارکردهای اصلی محیط زیست تعریف نمود. اصل مهم در تفکر پایداری نگرش چند مقیاسی - فرامقیاسی نسبت به محیط زیست و مدیریت فعالیت های انسانی در چارچوب چنین چشم اندازی از محیط می باشد. بر مبنای تعریف، هر فعالیت توسعه انسانی (نظیر ساخت محیط انسان ساخت) در حیطه یک یا چند بوم سامانه اصلی اتفاق می افتد. لازمه برقراری و یا تداوم حالت پایدار در یک بوم، سامانه همزیستی و ارتباط متعادل تمام ارکان و عناصر آن با یکدیگر و با محیط فراتر می باشد.

۳. «هسته فرهنگ»: هسته فرهنگ عاملی فرهنگی است که بلا فاصله با دنیای فیزیکی و محیط ارتباط می یابد و به نوعی یک ماده یا استراتژی خلاقانه در درون یک فرهنگ است. هسته فرهنگ یا الگوی تداوم حیات در طول زمان، در واکنش به بخش های مربوط به یک محیط خاص و موثری که از آن استفاده می شود (خاک، آب، هوا و غیره) متحول شده است. علاوه بر این هسته فرهنگ به عنوان یک ویژگی فرهنگ به نوبه خود ممکن است سایر ویژگی های فرهنگی (سازمان اجتماعی) را شکل دهد. از اینرو ایده هسته فرهنگ نوعی نقش تعاملی را در شکل دهی به تحولات فرهنگی، به محیط و فرهنگ محول می کند. از نگاه بوم شناسی فرهنگی همه مقولات محیطی و فرهنگی به هم مربوطند اما هسته فرهنگ بخش هایی از فرهنگ است که ارتباط نزدیکتری با محیط دارد و در تعریف دیگر، منظور از هسته فرهنگ، مجموعه ویژگی ها و مکانیزمها و استراتژی هایی است که در هر فرهنگی در امر تأمین معیشت وجود دارند (فکوهی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۸).

۴. «زمان مندی»: کارکردهای ارجاعی نمادها در محیط دارای مولفه هایی زمان مند است و مرجعی برای تشخیص گذشته، حال و آینده می باشد. به نظر برخی بوم شناسان فرهنگی جوامع بومی حامل گذشته-شان هستند و همواره به تأثیر از آن فعالیت می کنند. هر فرد در جامعه سنتی تصور منسجم و یکپارچه ای از مکان سکونت دارد که به وسیله مفهوم گذر زمان به هم پیوسته می شود (Zarin, 2010, p. 75).

۵. «تعلق مکانی»: زمانی سکونت برای یک اجتماع معنی پیدا می کند که در یک فضای مادی شروع به ساختن نماید و نحوه معیشت خود را نیز در آن مکان و به وسیله تکنولوژی های در خور و پاسخگو تأمین نماید. در موضوع سکونت در یک مکان ارتباطات پیچیده ای بین افراد و مکان سکونتشان به وجود می آید که متغیرهای



تصویر ۱. پایداری بوم‌شناسانه در شهر؛ مأخذ: Hough, ۲۰۰۴.

شهرها شده است. به این واسطه ایجاد هماهنگی میان انسان و طبیعت برای ساخت شهرهایی که از نظر اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی توان احیا و خودسازاندی داشته باشند، ضروری است (Steiner, 2004).

جدول ۱. خلاصه دستورالعمل فلورانس در نگهداری شهری فرهنگی شهرها؛ مأخذ: بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۴.

تغییر نگرش طراحان و برنامه‌ریزان، متأثر از دیدگاه‌های بوم‌شناسی نسبت به شهر به عنوان سیستمی پیچیده مبتنی بر علوم زیستی، موجب درک عملکرد واقعی شهر به عنوان سیستمی پیچیده مبتنی بر علوم زیستی، موجب درک عملکرد واقعی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

■ ۴۴۰ ■

رویداد	دستورالعمل‌ها
ماده‌ی ۸: یک "منظور تاریخی"؛ منظر ویژه‌ای است که به عنوان مثال با یک رویداد به یادماندنی، یک واقعه تاریخی خاص، یک افسانه معروف با یک جنگ حمامی یا موضوع تصویری مشهور، پیوسته باشد.	ماده‌ی ۸: یک "منظور تاریخی"؛ منظر ویژه‌ای است که به عنوان مثال با یک رویداد به یادماندنی، یک واقعه تاریخی خاص، یک افسانه معروف با یک جنگ حمامی یا موضوع تصویری مشهور، پیوسته باشد.
ماده‌ی ۹: اگریک "منظور تاریخی"؛ باید حفاظت شود، نیاز به نگهداری، مُحافظت و احیاء دارد هنگامی که بازسازی مطابق با واقعیت پیشنهاد شده باشد، "اصلیت منظر تاریخی" نه تنها به طرح و تناسیات بخش‌های آن بلکه به عناصر تزئینی یا انتخاب مصالح طرح که برای هر بخش آن پذیرفته شده، بستگی دارد.	ماده‌ی ۹: اگریک "منظور تاریخی"؛ باید حفاظت شود، نیاز به نگهداری، مُحافظت و احیاء دارد هنگامی که بازسازی مطابق با واقعیت پیشنهاد شده باشد، "اصلیت منظر تاریخی" نه تنها به طرح و تناسیات بخش‌های آن بلکه به عناصر تزئینی یا انتخاب مصالح طرح که برای هر بخش آن پذیرفته شده، بستگی دارد.
ماده‌ی ۱۰: فعالیت "نگهداری"، "احفاظتی"، "احیاء یا بازسازی" یک منظر تاریخی یا هر بخشی از آن، بایستی کلیه امور به صورت همزمان صورت‌گیرد.	ماده‌ی ۱۰: فعالیت "نگهداری"، "احفاظتی"، "احیاء یا بازسازی" یک منظر تاریخی یا هر بخشی از آن، بایستی کلیه امور به صورت همزمان صورت‌گیرد.
ماده‌ی ۱۱: از آنجایی که عناصر اصلی مناظر فرهنگی را گیاهان تشکیل می‌دهند، حفاظت از آن در شرایطی بدون تغییر، هم‌از طریق جایگزینی انفرادی و هم‌از طریق برنامه‌بندی توسیعی امکان پذیر خواهد بود.	ماده‌ی ۱۱: از آنجایی که عناصر اصلی مناظر فرهنگی را گیاهان تشکیل می‌دهند، حفاظت از آن در شرایطی بدون تغییر، هم‌از طریق جایگزینی انفرادی و هم‌از طریق برنامه‌بندی توسیعی امکان پذیر خواهد بود.
ماده‌ی ۱۵: هیچ‌گونه فعالیت احیاء و بازسازی در مورد "باغ‌های تاریخی" نباید بدون بررسی و مطالعه کامل صورت‌گیرد.	ماده‌ی ۱۵: هیچ‌گونه فعالیت احیاء و بازسازی در مورد "باغ‌های تاریخی" نباید بدون بررسی و مطالعه کامل صورت‌گیرد.
ماده‌ی ۱۷: هرجایی که یک باغ به طور کامل از بین رفته است یا اطلاعاتی بیش از شواهد حدسی از منظر آن موجود نیست، جای هیچ‌گونه جستجویی برای بازسازی به شکل طبیعی یک باغ تاریخی نمی‌تواند باشد. بازسازی که از شکل سنتی الهام می‌گیرد و در شرایطی چون سایت باع قدیمی و یا سایتی که دیگر وجود ندارد طراحی شده است، به نوعی خلق اثراخاطره متعلق است و دیگر نمی‌تواند به عنوان باغ تاریخی طبقه‌بندی شود.	ماده‌ی ۱۷: هرجایی که یک باغ به طور کامل از بین رفته است یا اطلاعاتی بیش از شواهد حدسی از منظر آن موجود نیست، جای هیچ‌گونه جستجویی برای بازسازی به شکل طبیعی یک باغ تاریخی نمی‌تواند باشد. بازسازی که از شکل سنتی الهام می‌گیرد و در شرایطی چون سایت باع قدیمی و یا سایتی که دیگر وجود ندارد طراحی شده است، به نوعی خلق اثراخاطره متعلق است و دیگر نمی‌تواند به عنوان باغ تاریخی طبقه‌بندی شود.
ماده‌ی ۲۰: از آنجایی که باغ‌ها مکان مناسبی برای استقرار بازی‌های بی‌سر و صدا به عنوان فعالیت روزانه می‌باشند، زمین‌های جدایگانه در مجاورت باغ تاریخی باید طراحی شود تا بازی و ورزش‌های زنده و فعل در آن انجام شود. تا خواسته عموم افراد، بدون تعصی خاص، به حفاظت باغ یا منظر ارض ا Soda.	ماده‌ی ۲۰: از آنجایی که باغ‌ها مکان مناسبی برای استقرار بازی‌های بی‌سر و صدا به عنوان فعالیت روزانه می‌باشند، زمین‌های جدایگانه در مجاورت باغ تاریخی باید طراحی شود تا بازی و ورزش‌های زنده و فعل در آن انجام شود. تا خواسته عموم افراد، بدون تعصی خاص، به حفاظت باغ یا منظر ارض ا Soda.
ماده‌ی ۲۴: یک باغ تاریخی، بخشی از میراث می‌باشد که بقاء آن (به دلیل طبیعت آن) نیاز به توجه مداوم در زمینه افراد شایسته دارد. پیش‌بینی‌های آموزشی مناسب برای تربیت افرادی که ممکن است از تاریخ نویسان، معماران، مهندسان منظرو با غبانها باشند لازم است، مراقبت از سوی گیاه‌شناسان به منظور اطمینان از تولید منظم گونه‌های گیاهی در هر موقعیتی لازم باشد.	ماده‌ی ۲۴: یک باغ تاریخی، بخشی از میراث می‌باشد که بقاء آن (به دلیل طبیعت آن) نیاز به توجه مداوم در زمینه افراد شایسته دارد. پیش‌بینی‌های آموزشی مناسب برای تربیت افرادی که ممکن است از تاریخ نویسان، معماران، مهندسان منظرو با غبانها باشند لازم است، مراقبت از سوی گیاه‌شناسان به منظور اطمینان از تولید منظم گونه‌های گیاهی در هر موقعیتی لازم باشد.

جدول ۲. خلاصه دستورالعمل بنگاه پارکهای کانادایی در نگهداشت بوم‌شناسخی فرهنگی؛ مأخذ: بمانیان و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۶.

رویکرد	دستورالعمل‌ها
- پخش ۲-۱-۴-۳- در انجام فعالیت‌های حفاظتی این بنگاه به طور خاص از اصول احترام به شکل موجود و مصالحی همیشه یک مکان فرهنگی را تشکیل می‌دهند، آگاه است. فعالیت‌های حفاظتی بدین ترتیب حداقل ممکن تداخل برای دستیابی به اهداف را در برخواهدگرفت.	
- پخش ۴-۴-۴-۳- در مورد سایتها و بناها، اصلاح ممکن است فعالیت‌های احیاء تاریخی را در برگیرد و احیاء به معنای، بهبود دقیق شکل قدیمی تر، ساختمن و اجزاء سایت یا ساختمن براساس شواهد ثبت شده و تحقیقات و تجزیه و تحلیلها از طریق انتقال ملحقات اخیر و جایگزینی عناصر ازین رفتنه یا تخریب شده دوره قبل تمی باشد.	
- پخش ۸-۲-۵-۳- موقعیت‌های خاص، بازسازی تاریخی با برگشت کل بناها یا مجموعه‌ها ممکن است به عنوان بهترین وسیله ممکن برای درک عمومی از عاملی با ارزش درگذشته پنداشته شود. بازسازی تاریخی قادر به اجرا نخواهد بود، مگر آنکه:	سیاست بنگاه پارکهای کانادایی
- بازسازی مکان ازین رفتنه نیاز به مشارکت دانش‌های فنی، علمی و تاریخی باشد؛ و - هزینه بازسازی شامل نگهداری و عملیات مربوط به آن ممکن است در ارتباط با اهمیت تاریخی و امکانات قابل تفسیرکار بازسازی باشد.	
- اگر این نکات برآورده شوند، بازسازی تنها زمانی قابل انجام خواهد بود که:	
- آثار مهمنی برای حفاظت نباشند که بازسازی آن ها را تهدیدکند؛ و	
- اطلاعات پژوهشی کافی برای حمایت از بازسازی صحیح وجود دارد.	
- پخش ۱-۳-۵-۳- با توجه به برنامه و رویدادهای خاص، بنگاه پارکهای کانادایی امیدوار است که فعالیت‌هایی که با اصول مدیریتی مکان‌های تاریخی سازگار هستند، برای پارک ملی ویژه، سایت تاریخی ملی یا کمال تاریخی مناسب باشند و آینین بنگاه آن‌ها را قبول می‌کند.	
- پخش ۳-۳-۵-۳- رویدادهای خاص در جایی که به طور مستقیم با تقدیر و تحسین عموم از موضوعات تاریخی ارتباط دارند، باعث دلگرمی خواهد شد.	
- پخش ۴-۳-۵-۳- رویدادها و کاربردهای خاص به مکان تاریخی و هویت آن احترام خواهند گذاشت و به اینمنی، مشاهدات و لذات بازدیدکنندگان لطمه نمی‌زنند.	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

۴۴۱

می‌یابد. در نظر برخی بوم‌شناسان سکنی گزیدن تجربه جدای از محیط نیست و از دانش حاصل از تجربیات حیاتی در محیط که نظام ترجیحات آنان را شکل می‌دهد؛ پدید می‌آید (Zarin, ۲۰۱۰, p. ۷۵). اینکه فعالیت‌های انسان‌ها در محیط و استفاده مکرر آن‌ها از برخی اشیاء موجود در محیط (چشم انداز فعالیتی) نقش این اشیاء را از ابزار صرفاً مکانیکی به اشیاء قابل ارجاع به یک مفهوم یا فعالیت بدل می‌سازد را می‌توان با در «سکنی گزیدن» مقارن دانست (Zarin, 2010, p. ۷۵) بدین ترتیب در رویکرد بوم‌شناسی فرهنگی با وجود تاکید بر عوامل پیچیده ارتباط انسان و محیط که صرفاً مادی نیست و در عوامل ژنتیکی و ناخودآگاه جمعی ریشه دارد همچنان جهان بینی از درون بینش متریالیستی بیرون می‌آید و پا فراتر از آن نمی‌گذارد. در جدول ۳ می‌توان گرایشات گوناگون بوم‌شناسی فرهنگی و شاخص‌های روش‌شناسخی هر گرایش را مشاهده نمود:

بوم‌شناسی فرهنگی و جهان‌بینی
در بوم‌شناسی فرهنگی فرهنگی فرهنگی کوئنگون هر اکوسیستمی که ترکیب‌کننده اجزایی گوناگون هست انسان نیز جزئی از آن است، می‌باشد. مطابق با نظر «استیوارد» صافی فرهنگی دارای یک نقش فعال می‌باشد که تاثیرات محیط را روی فرهنگ روشن می‌سازد. با توجه به مفهوم اکولوژی، نه بیولوژی انسانی و نه فرهنگ او، نه محیط طبیعی و نه محیط زیست انسان، بدون تاثیر و ارتباط بر یکدیگر، نمی‌توانند به طور جداگانه از م وجود داشته باشند (شکویی، ۱۳۷۲، ص ۳۴۰). در مورد هستی شناسی مرتبط با بوم‌شناسی فرهنگی برخی پژوهشگران همچون «پیتر بوردی» (Bourdieu, 1977) از فلسفه پدیدارشناسی کمک می‌گیرند و بوم‌شناسی فرهنگی و دیگر پژوهش‌های پارادایم عملگرایی و یا اثبات‌گرایی را با فلسفه پدیدار شناسی تکمیل می‌کنند. تمرکز پدیدارشناسان بر مفهوم بودن در جهان و ارتباط آن با مکان و معنای سکنی گزیدن با مباحث مطرح در بوم‌شناسی فرهنگی قرابت

جدول ۳. گرایشات گوناگون بوم‌شناسی فرهنگی؛ مأخذ: مارکت، ۱۳۸۳.

عنوان گرایش	شاخصه های نظری	شاخصه های روش شناختی	اندیشمندان مهم
رویکردهای تاریخی و مادی	مفاهیم استیوارد در مورد هسته فرهنگ و محیط موثر مادی گرایی فرهنگی تاکید بر فرایند های تاریخی	تاکید بر امور خانگی به عنوان واحد تحلیل کاربرد مستمر از تحلیل جمعیت شناختی	مک نتینگ، ویازو، لی، لووفگرن، ویلک، فریک، بنت
رویکردهای شناختی- اعتقادی	ارتباط با زبان شناسی و گیاه شناسی قومی اشاره به جنبه های شناختی و تاویل جمعیت نقش مفاهیم محیطی و باورها علاقه به جامعه شناسی طبیعت	مقوله بندی اصطلاحاتی که برای دنیای طبیعی به کار می رود	کونکلین، راپاپورت، داسکولار، پالسون، کرول، پارکین، میلتون
رویکردهای تعامل گرا	تاکید بر تعامل دوسویه بین گروه های انسانی و محیط مسائل مرزی ایده انواع برم استراتژی ها و فرایندهای سازگاری تأثیرات نظریه عملگرا	خانه به عنوان واحد تحلیل تاکید ویژه بر جوامع کشاورزی تحلیل جوامع	بارت، سالین ها، ولف، گوتس، اینگلد
رویکردهای کاربردی	تاکید بر مشکل توجه به مکان هایی که تلاش محیطی در آن رخ داده است رویکردهای بوم شناسی سیاسی به تاثیر از اقتصاد سیاسی	تحلیل فرایند های تصمیم سازی انسان (مثلاً تصمیم گیری در مورد نحوه استفاده از زمین)	ویلک، چپینگ، اسکمینک، وود، شریدن

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

■ ۴۴۲ ■

(Bridson 2012, 1). حیاط تقریباً در تمام دوره های تاریخ معماری، در هر بخشی از جهان به عنوان یک عنصر سازماندهی در تمام انواع ساختمان، استفاده می شود. خانه ها، کاخ ها، صومعه ها، مساجد، مدارس، ساختمان های اداری و خصوصی از پیدایش خانه های سنتی تاکنون، توجه به خانه های حیاط دار به هفت هزار سال قبل از میلاد در «چاتال هویوک»^{۱۹} (آناتولی) و هزار سال قبل از میلاد در پکن (چین) مربوط می شود (Eyüce 2012, 22). گونه هایی را که در طول تاریخ معماری پایدار می مانند می توان به دلیل دارا بودن ارزشی عمومی «گونه کلی» خواند. به هر صورت، این گونه های کلی گاه ناپدید شده و از نو پدیدار می گردند (نوربری شولتز، ۱۳۹۲، ۲۰۰؛ چنانچه استحصال آب به وسیله سیستم قات

۳- بوم شناسی فرهنگی والگوی سکونت در ایران در بوم شناسی فرهنگی کنش متقابل محیط و انسان به گونه ای منسجم «زمیست-جهان» انسان را تشکیل می دهد. محیط با ویژگی های خود مبانی فکری ساکنانش را می سازد و عینیت های موجود در محیط در دنیای ذهنی انسان ها محمل معانی بسیاری می باشد. کنش های خلاقانه انسان ها در ساخت ابزار و بهره گیری از محیط در خود محیط نهفته است. محیط توان های بالقوه خود را در عینیت های ملموس به انسان می نمایاند و این موضوع در واژه «تکنیک» (Techne) یونانی که به معنی «بازگشایی» خلاقانه حقیقت و ریشه واژه تکنولوژی است قابل توضیح می باشد (شولتز، ۱۳۸۸، ص ۲۷).

گونه «مسکن حیاطدار» تقریباً از زمانی که انسان در حال ساخت خانه خود بوده است، وجود داشته است

در ایران و ساخت بادگیر در بناهای مسکونی ایرانی به وضوح تکنولوژی‌هایی هستند که ریشه در شرایط محیطی دارند و الگوی یکجانشینی ایرانیان را تکمیل و تثیت می‌کند. هرچند نمی‌توان تکنولوژی را جبراً معلوم محیط دانست چرا که با دست یابی به تکنولوژی، محیط نیز دستخوش تغییر می‌گردد، با تغییر محیط زیست جهان نیز دگرگون می‌شود و با تغییر زیست جهان و جهان بینی تغییر مجددی در تکنولوژی ایجاد می‌گردد. بوم شناسان فرهنگی چنین تاثیرگزاری و تاثیر پذیری را به عنوان علیت دو طرف شرح می‌دهند. پیدایش ناسان نیز تثیت سکوت انسان در مکان را در چنین ارتباطی و با عبارت «گرداوری چیزها» و «باشیدن» (*bauen*) تعبیر می‌کنند. زمین عرصه‌ای است که زندگی روزانه انسان در آن رخ می‌دهد. می‌توان آن را تا اندازه ای بنا تکنولوژی شکل داد و به رابطه ای فراغی‌تر رسانید. بدین طریق چشم انداز طبیعی تبدیل به چشم انداز فرهنگی می‌شود، یعنی محیطی که در آن انسان مکان خود را درون یک کلیت بدست آورده است (شولتز، ۱۳۸۸، ص. ۶۴).

در الگوی سکونت ایرانی به ویژه مناطق در مرکزی و شرقی زیست جهان عینی به موجودیت‌های ساده و محدود تقلیل می‌باشد، این مناطق دارای زمین مسطح و یکنواخت با افقی در دور دست و آسمانی بلند و عموماً بدون ابر با خورشیدی سوزان که حرکتش در آسمان و تغییر مسیر حرکتش در فصول مختلف از خاور به باخترا کاملاً قابل درک است. زمین و آسمان در این منطقه شرایط دشواری را برای زندگی انسان ایجاد می‌کنند و نظم و ضرب آهنگ زندگی و شبانه روز به واسطه آسمان پر ستاره شب و پرنور روز ادراک می‌شود. می‌توان آسمان این منطقه را پویاتر از زمین آن دانست و بدیهی است که مردمان این سرزمین توجه ویژه‌ای به آسمان داشته باشند، توجه برای جهت یابی از روی خورشید و ستارگان مکان افراد را نیز وابسته به آسمان نموده است و ابعاد روحانی و شگفتی‌های غیر زمینی به واسطه چنین کاربرد آسمان که مکان افراد را تعیین می‌کند همواره در جهان بینی ایرانیان حضور داشته است هرچند این بدان معنا نیست که علت ظهور و گسترش ادیان الهی به ویژه اسلام در این سرزمین شرایط محیطی آن است بلکه ارتباط تعاملی یا علیت دوطرفه را می‌توان برای آن ذکر نمود. ساکنان این سرزمین نیز با استفاده از ابزارهایی که محیط در اختیارشان گذاشته به کشف و بالفعل سازی توانش‌های بالقوه آن پرداخته‌اند و از آنجا که شرایط محیطی سخت،

محدودیت‌های پرشماری برای زندگی ایجاد نموده است با اتکابه تکنولوژی و در شرایط خاصی سکونت را شکل داده‌اند. بنابر این سکونت در ایران معلوم علت‌هایی است که آن علت‌ها در کنش متقابل و تعامل دو طرفه با هم هستند و این علت‌ها عبارتند از محیط، جهان بینی و تکنولوژی.

علاوه بر توپولوژی و نوع اقلیم ایران عامل محیطی دیگری که بر الگوی سکونت تاثیر بسزایی دارد مکان چغرافیایی سرزمین ایران است که به عنوان پلی از شرق به غرب بوده و از نظر ذخایر طبیعی نیز اهمیت زیادی در طول دوران داشته است چنین شرایطی همواره برای ساکنان مخاطرات امنیتی را به همراه داشته و لزوم وحدت و اتحاد جوامع را به یکی از ملزومات اجتماعات ساکن بدل ساخته است و در چنین جمع‌گرایی برگرفته از محیط و در تعامل با فرهنگ ایران همچون آداب صله رحم و دیدار و بازدید نوروز نمایان می‌شود و هرچند نمونه‌های پیش از مدرنیته به واسطه وجود خانواده‌های گستردۀ که در خانه‌های سنتی ایران ساکن بودند مثالهای ملموس تری از الگوی سکونت ایرانی را نمایان می‌سازند. الگوی سکونت ایرانی همچون شریعت اسلامی که علاوه بر ابعاد فردی عبادت و تفکر در کنار ابعاد اجتماعی آن تاکید دارد، سلسه مراتبی از خلوت و حضور در جمع را ایجاد می‌کند. شگفتی‌های آسمان دور از دسترس تعییری خاص هر فرد را ایجاد می‌کند و شرایط امنیتی لزوم تعلق به یک جمع را حیاتی می‌سازد. بدین ترتیب چشم انداز فعالیتی (*Task scape*) اجتماع ایرانی دارای دو بعد جمعی و فردی برگرفته از محیط می‌باشد.

خانواده گستردۀ برخلاف خانوارهای پراکنده امروزی شامل سه نسل از اعضای یک خانواده شامل پدریزرگ و مادریزرگ، فرزندان و نوه‌ها می‌باشد و بدین ترتیب خانه به عنوان ظرف چنین مظروفی دارای قدمتی برابر حداقل سه نسل می‌باشد (صرفیان پور، ۱۳۹۰، ص ۲۸۲) و هر فرد شاهد زندگی نسل‌های گذشته خود در مکان زندگی می‌باشد و همانند پیوند خانوادگی از نظر زمانی نیز با گذشته پیوند می‌خورد و زمانمندی به عنوان دیگر مولفه بوم شناسی فرهنگی در الگوی سکونت ایرانی قدمتی حداقل سه نسل دارد. الگوی سکونت ایرانی در مکانی پدید آمده است که با انواع تکنولوژی‌ها شرایط محیطی سخت را به شرایط مساعد گزینی بدل ساخته است و نیز بر اساس مطالبات ساختاری خانواده گستردۀ طیفی از فضا از خصوصی ترین به عمومی ترین فضا را در دسترس

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

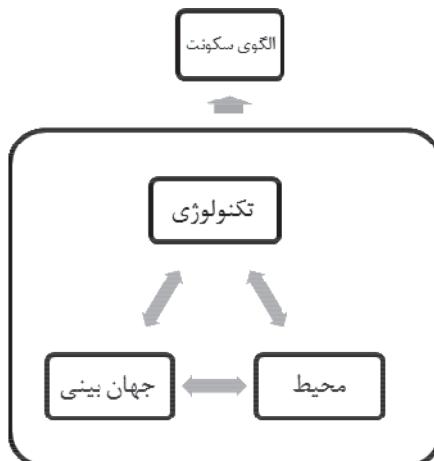
کننده اقلیمی، به عنوان یک تنظیم کننده اتلاف حرارت عمل می‌کند (Eyüce 2012, 22). با وجود این واقعیت که تمام ساختمان‌های سنتی در هماهنگی با طبیعت هستند و اگر چه فرهنگ‌های مختلف رویکردهای خود را در مقابله با تأثیر نیروهای طبیعی دارند، نمونه‌های متعادلی از فرهنگ‌های مختلف در منطقه جغرافیایی مشابه سکونت داشته و به فرم ساخته شده خود به عنوان اجزای سکونت، در درجات مختلفی از تراکم و بسته به تفسیر فرهنگی از محیط زیست طبیعی ظاهر می‌شوند (Eyüce 2012, 22).

در شناخت مفهوم خانه حیاطدار، تمایز میان فرم و شکل ممکن است مفید باشد. فرم اشاره به اساس سازمان‌دهی فضا (و همچنین زمان، مفهوم و ارتباطات) دارد. در این راستا، اهمیت تغییر در شکل و یا مصالح کمتر از روابط میان حوزه‌ها است. به عنوان مثال بر اساس این تمایز، روتاستاهای گینه نو و نمونه‌های قابل مقایسه از آمازون بزریل، اهمیت نسبی شکل خانه و فضاهای مرکزی در مقابل فرم آن را نشان می‌دهد. این مثال نشان می‌دهد که حیاط می‌تواند مربع، مستطیل، گرد یا بی‌شکل باشد و حدود آن را می‌تواند به روش‌های مختلف تعریف شود (Rapoport 2007, 58).

جایگاه حیاط در الگوی سکونت ایرانی

در قسمت‌های پیشین تاثیر عوامل محیطی شامل اقلیم، توپولوژی و مکان جغرافیایی در الگوی سکونت به سه صورت تکنولوژی، جهان‌بینی و نوع معیشت ذکر شد و در ادامه حیاط خانه ایرانی به عنوان نمونه فضای کالبدی برآمده از الگوی سکونت ایرانی معرفی خواهد شد. حیاط خانه ایرانی فضایی است که همزمان از کنش و تعامل متقابل تکنولوژی، جهان‌بینی و نوع معیشت ساکنان پدید آمده است و نشانگر سازگاری انسان با مجموع شرایط محیطی است. در شرایط محیطی قسمت‌های عمده‌ای از فلات مرکزی ایران ابجاد مکانی برای آسایش انسان تنها با ساختن فضایی محصور و جدا شده از اطراف امکان پذیر است که خرد اقلیمی در حد یک خانه را پدید می‌آورد. تبعیت این فضا از نظم برآمده از محدودیت در ابتدا ضرورت است سپس این موضوع در هماهنگی با اندیشه کیهانی و پیروی از هندسه و نظم برگرفته از آن قرار گرفته و بیان قادرمندی می‌یابد. شرایط زیستی بوسیله تکنولوژی اقلیمی معماری و استحصال آب در یک حیات محصور که در بیشتر موارد پایین تر از سطح

ساکنان قرار می‌دهد و با توجه به زمانمندی آن، عناصر گوناگون علاوه بر کارکرد فیزیکی کارکرد ارجاعی نیز یافته‌اند؛ بدین ترتیب ورود عناصر محیطی و تکنولوژیکی به فرهنگ، تعلقات مکانی را به عنوان دیگر مولفه بوم شناسی فرهنگی باعث می‌شود.



نمودار ۴. عوامل موثر بر الگوی سکونت در ایران؛ مأخذ نگارندگان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

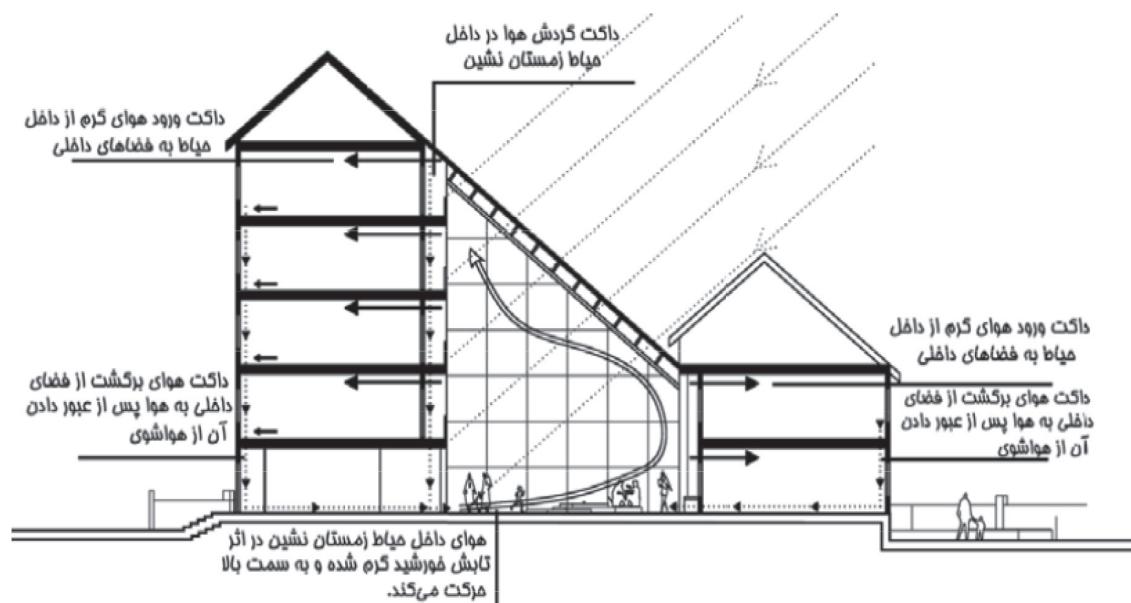
۴۴۴

برای به دست آوردن یک معماری منطبق بر سایت و یک ساختمان پاسخگو به اقلیم، باید متغیرهای طراحی مانند جهت‌گیری، ابعاد و هندسه فرم ساختمان و ویژگی‌های حرارتی مصالح، در ساختمان در نظر گرفته شود. ساختمان سازی در اثرات جانبی شرایط دشوار طبیعت برای انسان ریشه دارد. خانه سنتی بومی، حاصل مبارزه و هماهنگی بین انسان و طبیعت است. فن آوری زیستی - اقلیمی، که با شرایط طبیعی محل سازگار شده، در خانه‌های سنتی در سراسر جهان استفاده شده است. حتی در منطقه‌ای با شرایط آب و هوایی شدید، فن آوری های موثر و پاسخگو به اقلیم را می‌توان در خانه سنتی یافت (Xu., Zhang and Xu 2006, 1). حیاط یکی از عناصر معماری سنتی است که همه فضاهای یک ساختمان پیرامون این فضای باز و مستطیلی قرار گرفته است. این ساختار فضایی، عملکرد محیطی و اجتماعی دارد و در حالیکه به عنوان یک منبع نور و گرما و هوای تازه عمل می‌کند، یک فضای خصوصی می‌سازد (Cho and Mohammadzadeh 2013, 2326). «حیاط» به عنوان یک عنصر سازماندهی فضایی خانه، خصوصی سازی یک فضای باز کاملاً تحت کنترل ساکنان خانه است؛ که تقسیم فضایی روشن از حوزه‌های عمومی و خصوصی فراهم می‌سازد. به عنوان یک عنصر کنترل

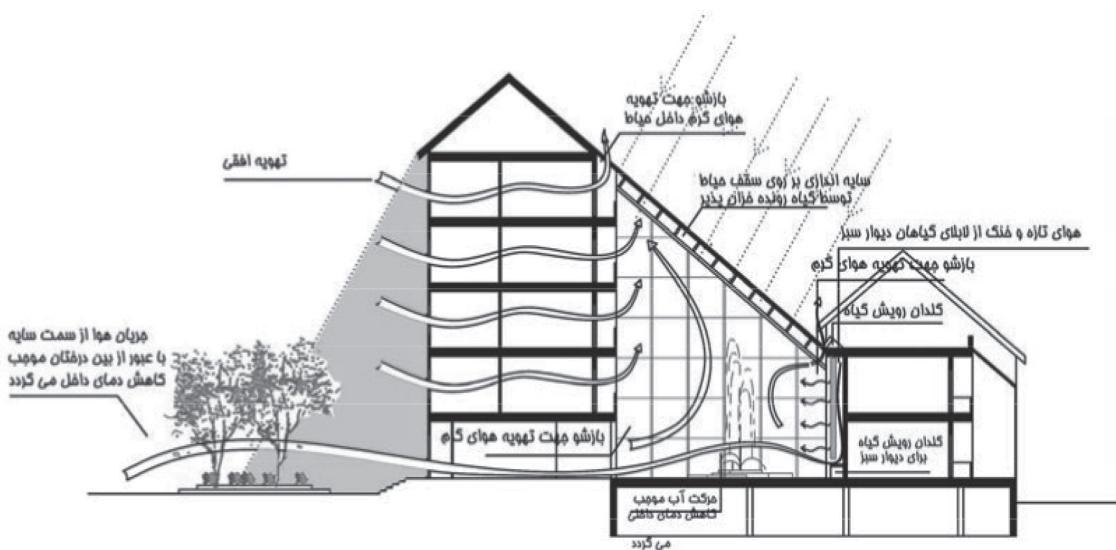
روزمره، ویژگی‌های مشخص از معماری است که دوباره و دوباره در فرهنگ‌های مختلف و تحت تفاسیر متفاوت ظاهر می‌شود. در کهن الگوی خانه حیاطدار سنتی، حیاط همیشه در مرکز، هسته حیاتی خانه را تشکیل می‌دهد. معماری مدرن از طریق مجموعه‌ای از فعالیت‌ها که همیشه شامل یک جزء برگرفته از کهن الگوی خانه حیاطدار سنتی است، به مفهوم حیاط نزدیک است (J. Ferrer Forés 2010, 841). در اقلیم گرم و خشک فلات مرکزی ایران که در معرض تابش و سیاه بادهای کویری قرار دارد بافت شهری به صورت متراکم ساخته می‌شود و حیاط مرکزی راهکاری مناسب جهت ایجاد فضایی محفوظ از سیاه باد می‌باشد. جهت گیری حیاط نیز به گونه‌ای تعیین می‌شود که با سایه اندازی جداره‌ها روی هم یا به واسطه انواع سایبان‌ها از شدت تابش تابستان کاسته شود و درختان در این سیستم نقش سایبان هایی را ایفا می‌کنند که در تابش مایل خورشید در صبح و بعد از ظهر بهتر از تابش بندها عمل می‌نمایند. جهت گیری فضاهای در اطراف حیاط نیز به گونه‌ایی بوده است که در کنج‌های حیاط فضای خدماتی و در بدنۀ فضاهای اصلی جانمایی می‌گردد (قبادیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۱).

معابر واقع شده است ایجاد می‌گردد به طور همزمان شرایط نامساعد خارجی تصور فضای آرمانی را به عنوان هسته فرهنگ (بخشی از فرهنگ که متأثر از محیط است) به صورت مکانی سرسبز با حضور آب می‌نمایاند. همچنین نوع معیشت به صورت خانواده گستردۀ الزام بهره‌گیری تمام اهالی خانواده از این فضای ایجاد می‌کند و فصل مشترک چنین گرایشات همزمانی در حیاط خانه ایرانی متجلی می‌گردد. در ادارمه به تشریح چگونگی انطباق الگوی حیاط خانه ایرانی با عوامل برگرفته از محیط پرداخته خواهد شد.

۴- حیاط خانه ایرانی به مثابه تکنولوژی اقلیمی
استاندارد بالای زندگی منجر به اقلیمی شدن ساختمان‌ها شده است. سیستم‌های سرمایش و گرمایش بدون هرگونه سازگاری با ساختمان‌ها نصب می‌شوند که این وسایل جدید، منجر به مصرف انرژی بیش از حد و هزینه بالا می‌گردد و همچنین ممکن است به ساختمان آسیب برساند. ساختمان‌های اخیر بدون سیستم اقلیمی فعال، منجر به هزینه بالا و خطرات سلامتی خواهند شد (Rosenlund 2000, 4). «حیاط»، یکی از عناصر معماری بومی است که سابقه بسیار طولانی در فضای مسکونی بشر داشته است. تجربه حیاط به عنوان صحنه درونگرا از زندگی



تصویر ۲. کارکرد زمستانی حیاط زمستانی در اقلیم سرد و خشک؛ مأخذ: هاشمی و حیدری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴.



تصویر ۳. کارکرد زمستانی حیاط تابستان نشین در اقلیم سرد و خشک؛ مأخذ: هاشمی و حیدری، ۱۳۹۰، ص ۱۴۵.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

■ ۴۴۶ ■

۵- حیاط به مثابه فضای امن خانوادگی
یکی از مهم ترین نقش‌های حیاط در سکونت به سبک ایرانی اهمیت کارکردی حیاط است. این فضا به عنوان فضای تجمع اعضای خانواده و انجام برخی فعالیت‌ها همچون بازی کودکان، استراحت و ورزش برای مردان و انجام برخی کارهای منزل توسط بانوان، به عنوان اتاق فراغ بدون سقف عمل می‌کند (حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۷۹). حیاط فضای امنی برای تمام اعضای خانواده گسترشده ایجاد می‌کند. همانگونه که در الگوی سکونت ذکر شد ایرانیان به واسطه مکان جغرافیایی سرزمینشان، در دوران زمانی متعددی با نامنی مواجه بودند و تاثیر این موضوع بر الگوی سکونت را می‌توان در کاهش روزنه‌ها به معابر عمومی و درونگارایی خانه‌های ایرانی مشاهده نمود. علاوه بر این ضرورت همبستگی در چنین شرایطی ایجاد خانواده‌های گسترشده می‌باشد که به طورستی توسط بزرگ خاندان مدیریت می‌شود. حیاط نیز به عنوان بخش جمعی خانواده دسترسی آسانی برای تمام افراد ایجاد می‌کند و به عنوان قلب بنا و مایه حیات و تغذیه تمام قسمت

به چهار دلیل سطح حیاط را پایین‌تر از سطح معابر می‌ساختند که عبارتند از: ۱- ایجاد حرکت آبهای روان سطحی به داخل حیاط و ذخیره آن در آب انبار و نیز آبیاری با چهه‌ها ۲- استفاده از خاک گودبرداری شده به عنوان ماده اولیه خشت های ساختمان در صورت مناسب بودن خاک ۳- کاهش تبادل حرارتی داخل به خارج و استفاده از تعادل حرارتی داخل زمین ۴- انتقال نیروی رانشی جداره‌ها به تکیه گاه عمودی جداره‌های گود برداری شده (قبدیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴). حیاط خانه ایرانی با ایجاد شرایط زیستی مناسب می‌تواند محل پرورش انواع درختان مشمر باشد و با تامین میوه‌های فصلی برای ساکنان مفید باشد. برای نمونه نامگذاری برخی حیاط‌ها در خانه‌های ایرانی با توجه به محصول درختان آن می‌باشد. همچون نارنجستان که محل پرورش مرکبات می‌باشد (قبدیان، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵). به طور خلاصه حیاط را می‌توان به عنوان ابزاری کا با ایجاد اخراج اقلیم مطلوب آساییس فیزیکی را در فضای مسکونی سنتی ایرانیان فراهم می‌آورد و ارتباط با طبیعت سبز و آب را ممکن می‌سازد، قلمداد نمود.

اتاق‌ها به ایوان‌ها و سپس به حیاط تدریجی از فضای بسته به بازیه واسطه درب پنجره‌های تمام قد حاصل شده و در ضرورت می‌توان با گشودن آن‌ها از مجموعه به صورت یک پارچه استفاده نمود (حائری، ۱۳۸۸، ص ۶۹). مرکزیت و محصوریت حیاط علاوه بر آنچه ضرورت‌های تکنولوژیکی آن اقتضا می‌کند اهمیت کارکردن در ایجاد دسترسی مناسب و نیز امنیت را نشان می‌دهد و در مواردی که جداره حیاط به خانه مجاور و یا معبّر متهی می‌گردد با وجود عدم روزنه و درب در دیوار یاد شده ارتفاع آن هماهنگ با دیگر دیوار‌های بنا حفظ می‌شود و خللی در ایجاد محصوریت و مرکزیت احساس نمی‌شود (حائری، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲).

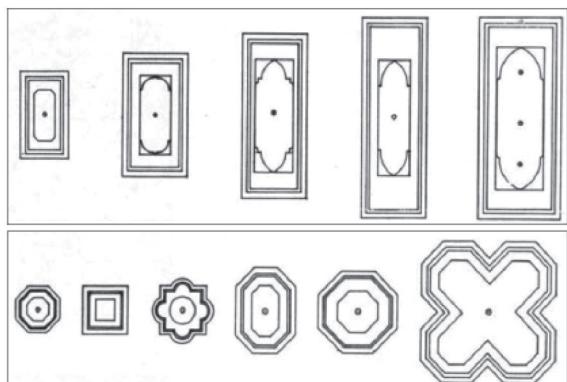
های خصوصی و نیمه خصوصی وظیفه برقراری ارتباط میان اعضای خانواده را ایفا می‌کند. هرچند حیاط خلوت‌های نیز در خانه‌های سنتی فضای باز خصوصی را برای افراد تدارک می‌بیند، در جای خود اهمیت ویژه‌ای دارند که در محدوده این پژوهش نمی‌گنجد (صرفیان پور، ۱۳۹۰، ص ۲۸۹).

اینکه ورودی خانه به طور مستقیم در حیاط باز نمی‌شود و از طریق دالان‌هایی به آن دسترسی می‌یابد علاوه بر اینکه حیاط را به عنوان مامن خانوادگی معرفی می‌کند به آن هویت مستقل و مشخصی می‌بخشد که بر خلاف وضعیت خانه‌های معاصر تنها محل عبور نیست بلکه محل سکون و دیدار است. همچنین تداوم فضایی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

■ ۴۴۷ ■



تصویر ۴. حیاط در خانه‌های سنتی و حوض آب در آن؛ مأخذ: رییسی دهکردی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۳؛ بنقل از طوفان، ۱۳۹۱، ص ۷۵-۶۷.



تصویر ۵. حیاط در مسکن و نقش فرهنگی در ارتباطات خویشاوندی؛ مأخذ: رییسی دهکردی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۳؛ بنقل از طوفان، ۱۳۹۱، ص ۷۵-۶۷.

در بر می گیرد. می توان به خیال معمار که متأثر از جهان بینی خاص این سرزمین است و به اصل، کنه و درون، در پس پرده و حجاب، زیبایی در سیرت و نه در صورت، معنی و مغز، مروارید و نه صدف اعتبار می بخشند، اشاره نمود که در ایجاد چنین فضاهایی نقش اساسی ایفا می کنند (نوایی، ۱۳۹۰، ص ۲۵).

یکی از موارد مهم در جهان بینی که نمی توان آن را بی ربط به محیط دانست اهمیت آب در حیاط خانه ایرانی است. در جهان بینی اسلامی آب مایه حیات و پاک کننده ناپاکی هاست و وجود حوض در حیاط علاوه بر بهره های اقیمه ای برای ایجاد طراوت و سرزندگی اهالی، آبیاری گیاهان و مصرف خانگی به کار می رود و در این سطح از تاثیرات محیطی به واسطه جهان بینی اهمیت آب به واسطه ارزش نمادین آن است. وجود گیاه و درخت علاوه بر آن چه که ذکر شد معرف تاثیرات جهان بینی می باشد. ارتباط با طبیعت به ویژه آب و گیاه در ایجاد فضایی ارمانی همچون باغ بهشت اهمیت می یابد. در شرایط سرزمینی فلات مرکزی ایران گوشه ای از طعم بهشت که در زیر درختان آن نهرها جاری و فضای آرمانی آنان را می سازد در حیاط خانه تدارک دیده می شود فضایی که از باورهای معماری و به تاثیر از شرایط سخت محیطی نشات گرفته و در حیاط خانه ایرانی نمود کالبدی یافته است. باورهایی که عناصر طبیعی همچون آب و درخت را نشانه هایی از خداوند دانسته و شناخت آن را نشانه ایی از شناخت خداوند بیان می کند (امین زاده، ۱۳۷۹، ص ۴۳)؛ بدین ترتیب همبستگی مکان جغرافیایی، اقلیم و توپولوژی که عوامل محیطی را تشکیل می دهند با جهان بینی در حیاط خانه (به عنوان نمونه مورد پژوهش) ایرانی نمود کالبدی می یابد. مطابق با آنچه گفته شد در بوم شناسی فرهنگی در یک نگاه کل نگر ویژگی های محیطی و فرهنگی در بسیاری سطوح (هسته فرهنگی) مرتبط با هم هستند و نمی توان پدیده های حاصل از آن ها همچون الگوی سکونت را تنها متعلق به یکی از آن ها دانست و در مورد پژوهش این تحقیق که همانا حیاط خانه ایرانی می باشد عوامل بوم شناختی با تأثیر و تأثر از ویژگی فرهنگی یعنی تکنولوژی، نوع معیشت و جهان بینی الگوی سکونت در فضای باز را تشکیل می دهند. در نمودار ۵ می توان نحوه ارتباط موارد یاد شده رابه اختصار مرور کرد.

۶- حیاط به مثابه فضای ارمانی

همانگونه که در قسمت های قبلی به آن اشاره شد، محیط و جهان بینی در نظر بوم شناسان فرهنگی در تعاملی دو طرفه هستند و جهان بینی مردمان فلات مرکزی ایران نیز از آنجا که زمین این سرزمین گستره ای یکنواخت و بدون عنصر جلب توجه کننده است و در مقابل آسمانی بلند و روشن در روز و پر ستاره و اسرار آمیز در شب دارد؛ آنچه در زمین می سازند به تبعیت از نظم و وحدت کیهانی و آن جهانی می باشد. نمی توان نقش موقعیت مکانی سرزمین ایران را نیز در جهان بینی مردمان آن انکار نمود. برای نمونه توصیه به رعایت حریم ها در جامعه و ایجاد سلسله مراتب دسترسی ها نمونه کالبدی چنین تاثیری می باشد؛ بدین ترتیب حیاط حریم خانواده است که در طول دوران و به ویژه پس از اسلام به عنوان اصل معماری رعایت شده است و حریم های شخصی افراد در سلسله مراتب تدریجی از حیاط متظاهر می شود. در بسیاری از نمونه های نیز چندین حیاط حریم های متفاوتی برای ساکنین خانه ایجاد می کند و ضرورت رعایت حریم در جهان بینی اسلامی است که حیاط برونی و حیاط اندرونی به عنوان اندام های اصلی کالبدی معماری خانه مطرح می سازد. این موضوع به عنوان اصل درونگرایی در معماری ایران مطرح شده و سبب می شود فضاهای باز در میان فضاهای بسته بشینند و فضای بسته آن را همچون حصاری دور بزند (نوایی، ۱۳۹۰، ص ۲۱). این اصل همچنین سبب می شود جداره بیرونی خانه کمتر روزنہ ایی بجز ورودی به معبر داشته باشد. در منابع ادبی نیز از حیاط به عنوان «میان سرای» یاد شده است که مرکزیت و درونگرایی را تلویحا اشاره دارد (سلطانزاده، ۱۳۹۰، ص ۷۴). عدم وجود شرایط مناسب بیرونی اهمیت باطن و درون و کشفیات شهری در خیالی باشکوه و در تقابل با عینیت های مادی در اندیشه اسلامی و عرفانی دوچندان نموده است و می توان بی تزئینی و سادگی نمادهای بیرونی ساخته ای و شکوه و زیبایی جداره های داخلی به ویژه جداره های حیاط مرکزی از دیوارهای عمودی، کفسازی، حوض، باغچه و گلستان را محصلو چنین اندیشه ای دانست. تزئیناتی که در خدمت فضای سه بعدی است و نه پوسته دو بعدی و به جای آن که در برابر انسان بایستد و قد علم کند، او را احاطه کرده و

۷-نتیجه‌گیری و جمعبندی

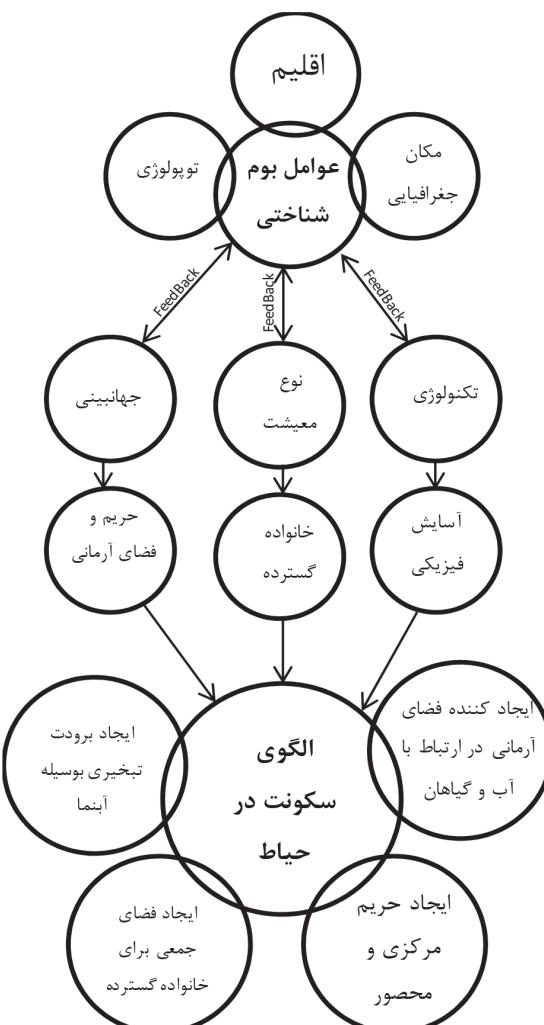
بوم‌شناسی فرهنگی، علمی کل نگر است که مجموع شرایط محیطی و فرهنگی را مرتبط با هم و دقیق مورد پژوهش قرار می‌دهد. این علم بین علوم تجربی و علوم انسانی پل می‌زند و نگاه تخصصی و یکسونگر معرفت شناسی اثبات گرایی را به چالش می‌کشد. این علم از آنجا که یک دست در شناخت عوامل بومی و محیطی و دست دیگری در شناخت عوامل فرهنگی دارد می‌تواند در ایجاد معرفتی کل گرا در زمینه‌های طراحی محیط بویشه معماری، راه گشا باشد. البته شناخت گرایشات این علم و روش‌های پژوهش در آن مهمترین وظیفه علاقمندان به آن می‌باشد همچنین این زمینه علمی به همراه بوم شناسی سیاسی و بوم شناسی جدید که ریشه در بوم شناسی فرهنگی دارند در مطالعات معماری شناخته شده نیستند. پژوهش حاضر در تلاش برای آغاز این شناخت سعی در استفاده از مدل‌های بوم شناسی فرهنگی در بازخوانی ویژگهای حیاط خانه‌های سنتی ایرانی داشت و از آنجا که این زمینه علمی در محافل معماري کمتر بکار گرفته شده است، حالی از اشکال نیست. در این پژوهش با مطالعه عوامل بوم شناختی نظری توپولوژی، اقلیم و مکان جغرافیایی و همبستگی آن با عوامل فرهنگی نظری تکنولوژی، نوع معیشت و جهانبینی بررسی و تلاش شد، الگوی سکونت مردمان این سرزمین از این طریق شناسایی شود؛ سپس حیاط مرکزی درخانه سنتی ایرانی بعنوان فضای کالبدی محصول و برآیند تمام عوامل یادشده بازخوانی و معرفی گشت. بوم شناسی فرهنگی در ساخت محیط پایدار انسانی بدلیل نگاه کل نگر خود می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، این بستر پژوهشی در سطحی بین‌المللی از گرایشات مورد توجه بوده و در معماری پایدار بدبانی تعریف اخلاق محیطی در ساخت بنا و چشم انداز می‌باشد. اخلاق محیطی مجموع اکوسیستم شامل انسان، محیط، فرهنگ و تکنولوژی را همزمان مورد پژوهش قرار می‌دهد و تعامل چند خطی را جایگزین رویکردهای تک خطی نموده است و می‌تواند موضوع پژوهش‌های آینده قرار گیرد. یادآوری این نکته ضروری است که بوم شناسی فرهنگی علمی است که در پارادایم‌های پسالثبات گرایی شکل گرفته است و این پارادایم‌ها

نیز در نقد اثبات‌گرایی از محدوده ماده گرایی خارج نشده‌اند و با بیان دیگری می‌توان از آن به عنوان ماده گرایی فرهنگی نیز یاد نمود؛ بدین ترتیب یکی از زمینه‌های پژوهشی مفید، بررسی انتظام و یا عدم انتظام آن با معرفت شناسی اسلامی، نقد و اصلاح آن است. هرچند که متفکران آن از فرهنگ تنها بخشی از آن که مرتبط با محیط است (هسته فرهنگ) را در نظر می‌گیرند و خود نیز به این موضوع اذعان دارند و بخش‌های دیگر فرهنگ که در ساخت محیط مؤثرند را نمی‌توانند توجیه کنند و با موضوع ارتباط دهند و فعلاً سکوت می‌کنند.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

۴۴۹



نمودار ۵. عوامل بوم شناختی در تعامل با عوامل فرهنگی در الگوی سکونت در حیاط؛ مأخذ: نگارندگان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۹ زمستان ۱۳۹۶
No.49 Winter 2018

■ ۴۵۰ ■

۸- منابع و مأخذ

۱. آپاگونولو، آدریانو (۱۳۸۴). نوشیدن از چاه خویش: معرفی مسائل معماری بومی، معنا و چشم اندازهای کنونی آن، در معماری بومی، ترجمه: علیمحمد سادات افسری، تهران: نشر فضا.
۲. امین زاده، ب. (۱۳۷۹). حکمت تماس با طبیعت در شهرهای مسلمین. صفحه، ۳۱-۴۳.
۵۲
۳. بل، سایمون (۱۳۸۶) منظر: الگو، ادراک، فرآیند، ترجمه بهناز امین زاده، انتشارات دانشگاه تهران.
۴. بمانیان، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۹) بازنده سازی منظر فرهنگی تخت سلیمان، مدیریت شهری، شماره ۲۶.
۵. حائری، م. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۶. دادخواه، مهیار (۱۳۸۴) گذری در گستره معماری بومی، در معماری بومی، آپاگونولو آدریانو و دیگران، تهران: نشر فضا.
۷. ریسی دهکردی، افشن (۱۳۹۶) بررسی جایگاه حیات در معماری اقلیمی بناهای مسکونی شهری، مدیریت شهری، شماره ۴۶.
۸. سلطان زاده، ح. (۱۳۹۰). نقش جغرافیا در شکل گیری انواع حیاط در خانه های سنتی ایران. پژوهش های جغرافیای انسانی، ۷۵-۶۹.
۸. شکویی، ح. (۱۳۷۲). جغرافیا و مذهب. تحقیقات جغرافیایی، ۳۰-۵.
۱۰. صادقی بی. ناهید (۱۳۹۱) تاریخچه و عمل گرایش به معماری بومی در غرب، کشورهای اسلامی و ایران، شهر و معماری بومی شماره ۲.
۱۱. صرفیان پور، م. (۱۳۹۱)، اردیبهشت ۲۱). مرتبت تدریج در خانه؛ احیای بستر زندگی خانواده گستردگی. معماری و شهرسازی اسلامی، ص. ۲۷۷-۳۰۰.
۱۲. عزیزی، ش.، دلپذیر، ع.، و مقدم، پ. (۱۳۹۱). انسان شناسی فرهنگی وسیله ای برای بررسی عوامل شکل دهنده معماری. هویت شهر، ۱۲، ۶۱-۷۰.
۱۳. فکوهی، ن. (۱۳۶۵). تاریخ اندیشه و نظریه های اصلاحات ساختار.

- Survey (29) pp.207231-. Cambridge University Press, Cambridge.
37. 37. Hardesty, D. L. (1977). Ecological Anthropology. New York: Jhon wiley Sons.
 38. 38. Ingold, T. (1993). The Temporality of the Landscape. World Archaeology, 25, 152174-.
 39. 39. J. Ferrer Forés. Jaime, Courtyard housing: Environmental Approach in Architectural Education, International Conference on Technology & Sustainability in the Built Environment ,Riyadh, Saudi Arabia, 3- 6 January 2010.
 40. 40. joralemon, d. (2010). exploring medical anthropology upper saddle river. New Jersey: prentice hall.
 41. Rapoport. Amos, The Nature of the Courtyard House: A Conceptual Analysis, Traditional Dwelling and Settlements Review Journal (TDSR), VOL. 18 , No.2, 2007.
 42. steward, j. H. (1972). Theory of culture change: The Methodology of Multilinear Evolution. Urbana: university of Illyrians press.
 43. Sutton, M. Q., & Anderson, E. N. (2010). Introduction to cultural ecology. Maryland: AltaMira.
 44. Xu. Feng, Zhang. Guoqiang and Xie. Mingjing, Ecological Technologies of a Chinese Traditional Folk House in Hot-Summer and Cold-Winter Zone, Proceedings of the Sixth International Conference for Enhanced Building Operations, Shenzhen, China, November 6 - 9, 2006.
 45. Zarin, H. L. (2010). Making Place And Identity In The Interistics: (Land Of The Middle), PARÁ, razill. Doctoral Dissertation Florida: University Of Florida.
 46. Zhai, Zhiqiang (John) & Previtali, Jonathan .M (2010), Ancient vernacular architecture: characteristics categorization and energy performance evaluation, Energy and Buildings, 42 (2010).
- اکولوژیک: راهبرد موثر حل محیط زیست ناسالم شهرهای بزرگ», مجموعه مقالات دومین سمینار ساخت و ساز در پایتخت، انتشارات دانشگاه تهران.
28. Batista, D., & Matos, R. S. (2013, June 10 - 14). Ecology and ethics: landscape architecture and sustainability. Scientific Conference, pp. 334338-.
 29. Bourdieu, P. (1977). Outline of a Theory of Practice. (R. Nice, Trans.) Cambridge: Cambridge University Press.
 30. Bridson. Danny, Courtyard Housing Study: Djingis Khan and The Kingo Houses, Sustainable Urban Design, Lund University, March 29th 2012.
 31. Cho.Soolyeon and Mohammadzadeh. Nooshafarin, Thermal Comfort Analysis Of A Traditional Iranian Courtyard For The Design Of Sustainable Residential Buildings, Proceedings of 13th Conference of International Building Performance Simulation Association, Chambéry, France, August 262013 ,28-.
 32. Cho.Soolyeon and Mohammadzadeh. Nooshafarin, Thermal Comfort Analysis Of A Traditional Iranian Courtyard For The Design Of Sustainable Residential Buildings, Proceedings of 13th Conference of International Building Performance Simulation Association, Chambéry, France, August 262013 ,28-.
 33. Eisenstein, W. A., 2002, Ecological Design and Culture: Toward a Research Agenda. In: M. Elen Deming, (ed.), Annual Meeting of the Council of Educators in Landscape Architecture, New York.
 34. Eisenstein, W. A., 2005, Eco-Revelatory Design and the Values of the Residential Landscape, Unpublished thesis for the degree of PHD in Landscape Architecture and Environmental Planning, the University of California, Berkeley.
 35. Eyüce. Ahmet, Interdependence of Traditional House Form and Settlement Pattern, Intercultural Understanding, volume 2, 2012.
 36. Forman, R.T.T. – Alexander, L.E. 1998. Roads and their major ecological effects. Annual Review Ecological